

دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، درس ۲۲، شعر عبری، مزامیر، ژانرها

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، صبح بخیر. آرامش مسیح با شما باد. به نظر می‌رسد که زندگی دانشجویی این روزها حسابی به شما فشار می‌آورد.

ما حدود ۱۰ نفر، بین ۱۰ تا ۱۲ نفر را از دست داده‌ایم، اما یک نفر دیگر هم اضافه شده است. خدا خیرتان بدهد. در هر صورت، این اطلاعاتیه‌ها هستند.

اونایی که اعتبار اضافی دارن، باید امروز مدارکشون رو تحویل بدن. نه استثنایی، نه تمدیدی، نه هرچی که اسمشو میذارین. من تا الان چهار پنج تا از اونارو تحویل گرفتم، و این عالیه.

از شما به خاطر انجام آنها متشکرم، و کسانی از شما که در آن پروژه مشارکت دارید، به کار خود ادامه دهید. مطمئنم که به نفع شما خواهد بود. برخی سوالات در مورد چگونگی یافتن تفاسیر برای مقاله مطرح شده است. اکنون، می‌دانم که ذهن شما در درجه اول درگیر امتحان است که چهارشنبه است، اما اجازه دهید در این مورد برای کسانی از شما که فرصتی برای مراجعه به بخش مرجع کتابخانه نداشته‌اید، چند نکته را بیان کنم.

اگر تکلیف مقاله را با دقت خوانده باشید، می‌دانید که می‌گوید، لطفاً از متیو هنری استفاده نکنید، که به راحتی، به صورت آنلاین قابل دسترسی است اما آن نوع مطالبی را که ما اینجا به دنبالش هستیم، ندارد. در عوض وقتی وارد کتابخانه می‌شوید، به خصوص اتاق مرجع - مطمئنم می‌دانید کدام اتاق است - از کنار میز امانت عبور کنید، به چپ بپیچید، و آنجاست. از کنار میز رندی گاومن عبور کنید.

، او کسی است که درست همانجا داخل اتاق مرجع می‌نشیند و به نوعی به سمت راست می‌رود. بسیار خوب به چپ برو؛ به راست برو، و در آن چند ردیف اول، آنها هر از گاهی اینها را جابجا می‌کنند، بنابراین مطمئن نیستیم که در ردیف دوم است یا سوم، اما در چند ردیف اول، قفسه به قفسه تفسیرها را خواهید یافت، هم تفسیرهای عهد عتیق و هم تفسیرهای عهد جدید. تمام مواردی که در پشت برکه تکالیف فهرست کرده‌ام، در آن مجموعه هستند، بنابراین از آنجا باید شروع کرد.

یکی از دلایلی که اینجا باید شروع شود این است که جزو منابع اتاق مرجع است، و این یعنی هرگز از اتاق مرجع خارج نمی‌شود، بنابراین نمی‌توانید بگویید، اوه، من چیزی پیدا نکردم. ممکن است در قفسه نباشد، زیرا ممکن است مجبور شوید به سراغ آن سبد قفسه‌بندی مجدد بروید، زیرا حدس من این است که قرار است بیش از یک نفر همزمان از همین منابع استفاده کنند. اما راه خود را پیدا کنید.

نگاهی به سبد خرید، میزها و منابع بیندازید. مطالب زیادی آنجا وجود خواهد داشت که می‌توانید هنگام کار روی مقاله‌تان با آنها کار کنید. باز هم، فقط برای کمک به کسانی از شما که فرصتی برای کشف محل قرارگیری تفسیرها در کتابخانه نداشته‌اید.

در مورد امتحان، اگر به طور منظم جلسه مرور امشب و فردا را برگزار نمی‌کردید، واقعاً خوب بود که از آن استفاده کنید. باید کمی در مورد زمان شروع و پایان روز چهارشنبه تغییر ایجاد کنم. چون کمی بعد از پایان این کلاس، جلسه‌ای دارم که باید در آن شرکت کنم، باید تا ساعت ۱۰:۲۰ جلسه را تمام کنیم.

حالا، چون این درست است، و چون کسانی هستند که از کلاس ساعت هشت می آیند، واقعاً منصفانه نیست که اجازه دهیم بعضی از شما یک ربع ساعت نه شروع کنید و یک ساعت و نیم کامل داشته باشید و بقیه فقط شاید یک ساعت وقت داشته باشند. بنابراین این بار، این بازه زمانی از ساعت نه شروع می شود. می توانید از ساعت نه شروع کنید.

به عبارت دیگر، اگر کلاس ساعت هشت دارید، درست بعد از کلاستان به اینجا بیایید. و می توانید تا ساعت هم بروید، اما من باید تا آن موقع بروم. اگر شما جزو آن دسته از افرادی هستید که کاملاً، کاملاً به ۱۰:۲۰ زمان بیشتری نیاز دارند، و این را می دانید، امروز ترتیب دهید تا به مرکز پشتیبانی تحصیلی بروید و امتحان را بدهید، و سپس امروز به من اطلاع دهید تا از این اتفاق مطلع شوم.

بنابراین، اگر زمان باعث ایجاد انواع استرس های بی مورد برای شما می شود، راه هایی برای تطبیق آن وجود دارد، اما باید با برنامه ریزی از امروز از این فرصت استفاده کنید. آیا در مورد این موضوع سؤالی دارید؟ بقیه ی قوانین تقریباً یکسان هستند. همانطور که می دانید، این بار در این امتحان یک نقشه وجود دارد و یک سؤال انشایی در مورد ساول نیز وجود خواهد داشت.

سوالی در مورد این موارد دارید؟ خب، می دانید، امروز قرار است مزامیر بخوانیم. اتحاد مؤمنان در کنار هم

بیایید دعا کنیم.

پدر، همانطور که امروز صبح با تو سخن می گویم، از اینکه فرزندان تو هستیم سپاسگزاریم. ما از عشق و بردباری و وفاداری و محافظتی که تو به عنوان فرزندان به ما می دهی سپاسگزاریم. و بنابراین، پروردگارا، در حالی که وارد هفته دیگری با هم می شویم، دعا می کنیم که تو با روح و کلامت در زندگی ما مؤثر باشی.

از حضورت سپاسگزاریم، و باشد که این حضور، حضوری باشد که ما از آن آگاه و به آن پاسخگو باشیم. پدر ما در حالی که برای چهارشنبه و برای امتحان آماده می شویم، برای یکدیگر دعا می کنیم، و پروردگارا، صمیمانه دعا می کنیم که چیزهایی که با هم یاد می گیریم، چیزهایی باشند که تو از آنها برای شکل دادن ما به افرادی که در دنیای تاریک، چراغ و راهنما هستند، استفاده کنی. پروردگارا، همانطور که امروز با هم مزامیر را مطالعه می کنیم، به ما کمک کن تا از طریق روش های ابراز شادی، امیدها، ترسها، اضطرابها و غم هایمان به تو، راه دیگری از وحی تو را درک کنیم.

بنابراین، ما نیز از شما برای این موارد سپاسگزاریم. در نام مسیح، با شکرگزاری دعا می کنیم که این زمان را متبرک سازید. آمین.

خب، قرار است به طور کلی به ادبیات شاعرانه پردازیم. من قصد دارم چند اصل برای درک و خواندن شعر به طور کلی به شما ارائه دهم، و سپس در ادامه ی امروز به مزامیر خواهیم پرداخت. البته دلیل این کار این است که ما همین الان در حال مطالعه ی داوود بودیم، و اگرچه داوود تمام مزامیر را طبق عناوین مزامیر ننوشته است، و من در مورد آنها بعداً بیشتر خواهم گفت، اما او حدود نیمی از آنها، بیش از ۷۰ مزامیر، را نوشته است.

خب، الان وقت خوبی برای استراحت است. ما تا حدودی، می دانید، سعی می کردیم با نامها و رویدادها سر و کله بزنیم، و حالا وقت خوبی است که از زاویه دیگری به مزامیر نگاه کنیم. همانطور که لحظه ای پیش گفتم، ما داوود را به عنوان نویسنده های مهم داریم.

با نگاهی به نمونه‌هایی از مزامیر، به ویژه مزامیر، نمونه‌هایی از این موضوع را خواهیم دید، و حفظ کردن آن آسان‌تر از یک روایت تاریخی است. سعی کنید گاهی روایت تاریخی را حفظ کنید. کمی دشوار است.

اما وقتی از شعر الهام می‌گیرید، کمی راحت‌تر به نتیجه می‌رسید، و لزوماً نباید قافیه و ریتم داشته باشد، اگرچه همانطور که در ادامه خواهیم دید، این قطعاً کمک می‌کند. در اینجا یک مثال آورده شده است. من هم پیشنهاد می‌کنم که برای ایام روزه‌داری ما عالی باشد.

البته، یکی از آنها در یک سرود بسیار محبوب برجسته است. اما فقط یک لحظه به آن فکر کنید. کمی بعد در مورد قافیه و ریتم صحبت خواهیم کرد.

اما به تصاویر نگاه کنید. «نظرسنجی» کلمه‌ای متفاوت از «نگاه کردن» است. چیزی در «نظرسنجی» نهفته است که به ما امکان می‌دهد نگاهی کامل به آن بیندازیم، اگر بخواهید، این بخشی از معنای ضمنی نظرسنجی «است».

پس کراس فقط کراس نیست، بلکه شگفت‌انگیز هم هست. خوشبختانه، این به معنی فوق‌العاده نیست، چون ما در ۱۵ سال گذشته از کلمه فوق‌العاده به طرز وحشتناکی سوءاستفاده کرده‌ایم و آن معنایی را که باید داشته باشد، ندارد. اما واندروس هنوز هم همینطور است.

وقتی از اصطلاح «شگفت‌انگیز» استفاده می‌کنیم، چیزی فراتر از آن وجود دارد. البته، به جای اینکه صرفاً بگوییم عیسی، اگرچه این کاملاً مناسب است، باید بگوییم شاهزاده جلال و تمام معنای واقعی که در جلال نهفته است. جلال، تجلی قابل مشاهده‌ای از درخشش خداوند، درخشش مطلق اوست.

بنابراین، وقتی به جلال فکر می‌کنید، به آن فکر می‌کنید، و اینجا عیسی شاهزاده جلال است. پس، البته غنی‌ترین سود من شامل هر چیزی می‌شود که من و شما ممکن است آن را به عنوان نهایت آرزوهای انسانی و عموماً خودمحور خود بدانیم. همانطور که پولس می‌گوید، اینها هیچ هستند.

اونا آشغالن، آشغالن. من می‌شمارمشون اما می‌بازم. بعدش از آخرین خط خوشم اومد که پر از تحقیره.

چه روش فوق‌العاده‌ای برای گفتن اینکه باید طرز فکر در مورد زندگی‌ام را کاملاً تغییر دهم. به جای خودخواهی و خودخواهی، باید تحقیر را بریزم، غرق در آن حس‌هایی که از درخشش و جلال خدا داریم آرزوهای غرورآمیز خودم. یک بند فوق‌العاده، اینطور فکر نمی‌کنید؟ کمی حس الهیات بسیار عمیق را در قالب شعر به ما می‌دهد.

الهیات بسیار عمیقی دارد. نکته‌ی دیگر اینکه، قافیه و ریتم دارد. این چیزی است که وقتی به سراغ شعر عبری برویم، نخواهیم دید.

یک حس ریتم ملایم وجود دارد و صداهایی وجود دارد که استفاده می‌شوند، لزوماً آنقدرها هم قافیه نیستند، اما استفاده از صداهای در شعر عبری وجود دارد، اما نه به آن اندازه که در شعر کلاسیک غربی از آن استفاده می‌کنیم. بنابراین، بیایید به برخی از ویژگی‌های شعر عبری نگاهی بیندازیم. باز هم، من در این مرحله به طور کلی فکر می‌کنم، به طوری که ما آن را نه تنها در مورد مزامیر، بلکه در مورد امثال، جامعه، بخشی از آن، ایوب و غیره و غیره نیز به کار خواهیم برد.

در واقع، بخش زیادی از ادبیات نبوی نیز همینطور. من قبلاً تضاد آن را با شعر کلاسیک غربی مطرح کرده‌ام، زیرا شعر عبری قافیه و ریتم کاملاً واضحی ندارد. در عوض، از نظر ترجمه چیزی کاملاً شگفت‌انگیز دارد.

ساختار آن بر اساس یک تعادل است. اگر بخواهیم بگوییم، تقریباً یک ریتم مفهومی است، برخلاف ریتم صوتی. این یک ریتم مفهومی است.

بنابراین، تعادل، تقارن و ایده‌ها، آنچه زک در مورد مفهوم بسیار مهم ما یعنی توازی گفته است را مطرح می‌کنند. حال، وقتی در مورد توازی‌ها صحبت می‌کنیم، مهم نیست در مورد کدام نوع صحبت کنیم، در ادامه به برخی از مثال‌های این موارد خواهیم پرداخت. بنابراین، ببینید آیا می‌توانید همزمان گوش دهید و بنویسید.

هر آنچه در سطر اول آمده است، در سطر دوم مورد بررسی مجدد قرار خواهد گرفت. ممکن است با مترادف‌ها دوباره بیان شود، که همان توازی مترادف است. ممکن است با توجه به یک سطر، به آن پرداخته شود، اما در اینجا نقطه مقابل آن را داریم.

این هم یک راه دیگر برای اینکه از زاویه‌ی مقابل به آن فکر کنیم. یا می‌تواند به سادگی بگوید، این اولین جمله‌ی ماست، بیایید کمی روی آن کار کنیم، و سپس کمی بیشتر، و دوباره کمی بیشتر، که حالا، همانطور که می‌بینید، من فقط آن سه تعریف یا توصیف از آن سه را ارائه داده‌ام. اگر متن خود را دارید، بیایید به این مثال‌هایی که برای شما بیرون کشیده‌ام نگاهی بیندازیم.

ضمناً، توجه به این نکته مهم است که نه یک گلوله، بلکه، گلوله شماره چهار. این اشکال فقط به این سادگی به سمت شما شلیک نمی‌شوند. آنها به هم مرتبط هستند، بسیار پیچیده‌تر می‌شوند و اشکال دیگری از موازی‌سازی وجود دارد.

شما هم باید این را بدانید. بیایید و متون حکمت را بردارید، ما آنها را با جزئیات بیشتری بررسی خواهیم کرد. اینها موارد اصلی هستند.

اما در اینجا به بررسی برخی از مترادف‌های مترادف می‌پردازیم. به مزمور ۲ نگاه کنید، جایی که آیه ۳ می‌گوید بیایید زنجیرها را بشکنیم و قید و بندهایشان را بیندازیم. آیا این خوب نیست؟ زنجیر و قید دو روش مختلف برای بیان چیزی است که الزام‌آور است.

البته، بشکنید و دور بیندازید. در آیه ۴، آن که در آسمان بر تخت نشسته است، می‌خندد و خداوند آنها را مسخره می‌کند. این ایده برای کسانی از ما که دوست داریم همیشه خدا را خوب جلوه دهیم، کمی تکان‌دهنده است.

او به افراد شرور می‌خندد و آنها را مسخره می‌کند، که مترادف با توازی است. سپس، در آیه ۵، آنها را با خشم خود سرزنش می‌کند و با خشم خود آنها را به وحشت می‌اندازد. توجه داشته باشید که هر یک از این سطرهای دوم، نکته سطر اول را به خوبی بیان می‌کنند.

و بنابراین، در اینجا، به شکلی بسیار ساده، چند نمونه از توازی مترادف داریم. اگر فقط یک مزمور را در نظر بگیرید، سعی کرده‌ام این موارد را تا حدودی در یک جا نگاه دارم تا بتوانیم به راحتی به آنها نگاه کنیم. آخرین سطر مزمور ۱، آیه ۶، یک مورد کلاسیک از توازی متضاد است.

حال، کاری که آیه آخر انجام می‌دهد این است که خلاصه‌ای از گفته‌های مهم‌تر قبلی را ارائه می‌دهد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. دو گفته مهم وجود دارد، یکی در مورد کسانی که به خداوند توکل می‌کنند و دیگری در مورد کسانی که به او توکل نمی‌کنند. اما حالا، خلاصه گفته‌های ما اینجاست.

خداوند مراقب راه درستکاران است، اما راه بدکاران هلاک خواهد شد. بنابراین از یک طرف، کسانی که درستکار هستند و توسط خدا حفظ شده‌اند، راه بدکاران هلاک خواهد شد. موازی‌سازی متضاد

ما در مزامیر شاهد موازی‌کاری‌های متضاد هستیم. اما می‌دانید بیشتر آنها را کجا می‌بینیم؟ در امثال. وقتی به امثال، به ویژه فصل‌های ۱۰ تا ۱۵، می‌رسیم، موازی‌کاری‌های متضاد را یکی پس از دیگری می‌بینیم.

و به نظر من، هدف از طراحی آن این است که به فردی که در حال مطالعه است، آموزش دهد، زیرا کتاب امثال در مورد یادگیری است، یادگیری در مورد زندگی، به آن فرد بیاموزد که بین آنچه از یک سو خوب است و آنچه از سوی دیگر خوب نیست، تمایز قائل شود. بنابراین، این تضادها بیان می‌شوند. راه درستکاران، راه بدکاران، حقیقت، دروغ، شادی، ناامیدی.

اینها چیزهایی هستند که آنجا ظاهر می‌شوند. بسیار خوب، پس اینها متضاد هستند. توازی ترکیبی به زیبایی در بخش اول مزمور ۱ نشان داده شده است. و بگذارید آن را برای شما بخوانم.

باز هم، به این فکر کنید که هر سطر کمی بیشتر از زاویه دید به موضوع اضافه می‌کند. خوشا به حال آن شخص. خوب، در مورد او چطور؟ خوشا به حال کسی که در مشورت شیران گام بر نمی‌دارد، در راه گناهکاران نمی‌ایستد، یا در جایگاه مسخره‌کنندگان نمی‌نشیند.

بنابراین ما اینجا یک دیدگاه رو به رشد داریم. به عبارت دیگر، هر جنبه‌ای از زندگی آن شخص، دوری از چیزهایی است که مشکل‌ساز هستند. اما لذت او در شریعت خداوند است.

و شب و روز در شریعت او تفکر می‌کند. او مانند درختی است که در کنار نهرهای آب کاشته شده، میوه خود را در فصل خود می‌دهد، برگ‌هایش پژمرده نمی‌شود. هر کاری که انجام می‌دهد، موفق می‌شود.

داری کل ماجرا رو می‌فهمی. یه تشبیهی توش هست، مثل یه درخت. همه این چیزها هست که اضافه شده تا این شخص رو توصیف کنه.

و البته، دو آیه بعدی، چهارم و پنجم، در مورد شیران این‌طور نیست. دو تضاد بزرگ. اول، صالحان از یک طرف، سپس شیران از طرف دیگر.

و سپس، همانطور که قبلاً گفتم، آیه ششم آنها را در یک توازی متضاد کوچک خود به هم پیوند می‌دهد. خوب، فقط چند نکته برای ادامه این بحث. همانطور که به شما پیشنهاد می‌کنم، اینها ابزارهای بسیار قدرتمندی برای بیان حقیقت هستند.

اول از همه، به تمام دلایلی که قبلاً در مورد ارزش شعر گفتیم، اما حتی بیشتر از آن، و این ما را به نکته سوممان می‌رساند. وقتی فرصتی برای تکرار چیزی دارید، احتمال زیادی وجود دارد که افرادی که شما را می‌شنوند آن را کمی بهتر به خاطر بسپارند. به همین دلیل است که معلمان، چه بخواهیم چه نخواهیم، چیزها را بارها و بارها تکرار می‌کنند و بارها و بارها تکرار می‌کنند.

از آنجا که ذهن ما به گونه‌ای است که برای یادگیری واقعی و جذب آنچه اتفاق می‌افتد، به تکرار نیاز دارد، اگر فقط یک بار در این کلاس چیزی بگویم، از روی تجربه می‌دانم که معمولاً از قلم می‌افتد. و این‌طور نیست، من در مورد شما اظهار نظر تحقیرآمیز نمی‌کنم، فقط می‌گویم ذهن می‌تواند چیزهای زیادی را دریافت، جذب و حفظ کند.

اما اگر چندین بار گفته شود، مثلاً اگر به شما گفته باشم، هی، می‌دانید، واقعاً ایده خوبی است که آن شهرهای فلسطین را برای امتحان یاد بگیرید. فکر می‌کنم الان سه یا چهار بار این را گفته‌ام و همین الان هم همین‌طور این ثبت نام است، این‌طور نیست؟ و شما فکر می‌کنید، شرط می‌بندم که آنها چهارشنبه در امتحان حاضر می‌شوند.

تکرار کمک می‌کند. و همین واقعیت که موازی‌سازی به ما اجازه می‌دهد تکرار کنیم، اما نه کلمات یکسان خسته‌کننده می‌شود و می‌تواند کسی را دلسرد کند. اما استفاده از مترادف‌ها، می‌دانید، کلمات متفاوت، اما آنها به یک ایده می‌رسند.

و ذهن شما آن را کمی بهتر پردازش می‌کند. بنابراین، این یک روش شگفت‌انگیز برای اثبات حقیقت است، چه مترادف باشد و چه متضاد. و متضادها، ما مجبوریم بین این و این تمایز قائل شویم.

این بخشی از کاری است که تضاد انجام می‌دهد. و چیزی که اینجا به صورت شبه ایتالیک نوشته‌ام، چیزی است که در مورد این موضوع دوست دارم. چون همان‌طور که می‌دانید، ترجمه یک کار چالش‌برانگیز است.

این یک کار بسیار چالش‌برانگیز است. آن دسته از شما که در رشته زبان‌های خارجی تحصیل می‌کنید، می‌دانید که ارائه دقیق چیزی از یک زبان به زبان دیگر کار ساده‌ای نیست. فکر کنید که نه تنها انتقال حقیقت از یک زبان به زبان دیگر، بلکه در متون سرودهای مذهبی نیز چقدر دشوار است؛ به عنوان مثال، برای آن دسته از شما که هنوز ممکن است گاهی اوقات به سرودهای مذهبی نگاه کنید، سرودهایی وجود دارند که از گروه کر آلمانی ترجمه شده‌اند.

افرادی که این‌ها را ترجمه کرده‌اند، کاملاً درخشان بوده‌اند، زیرا توانسته‌اند معنای اصلی را حفظ کنند و آن معنا را از آلمانی به انگلیسی منتقل کنند، و همچنین قافیه و ریتمی متناسب با موسیقی داشته باشند. و این یک چالش است. و اگر به عقب برگردید و به برخی از ترجمه‌های آلمانی نگاه کنید، دقیقاً همیشه مانند ترجمه انگلیسی نیست، زیرا اصلاحات جالبی برای متناسب کردن آن با قافیه و ریتم موسیقی انجام شده است.

در شعر عبری، لازم نیست این کار را انجام دهید زیرا مبتنی بر قافیه و ریتم نیست. بلکه مبتنی بر موازی‌سازی‌های مفهومی است. به نظر من، این یک مکانیسم فوق‌العاده برای انتقال حقیقت خدا به شیوه‌ای است که می‌تواند در تمام طول تاریخ بشر به هر خانواده زبانی در جهان گسترش یابد و قابل درک باشد و مجبور نباشد آن ظرافت‌های صوتی را که در برخی از انواع بیان شاعرانه به عنوان ویژگی‌های اصلی آنها داریم، حفظ کند.

آیا این برای شما منطقی است؟ باید باعث شود که لرزش در پشت ستون فقرات شما بالا و پایین برود. خوب، این پشت است. بالا و پایین ستون فقرات شما، درست است؟ چون اگر بخواهیم این را بگویم، چیزی است که عمیقاً منحصر به فرد است.

خب، این منحصر به فرد نیست. شما می‌توانید مشابهت‌هایی را در سایر زبان‌های سامی نیز ببینید. اما این چیزی است که واقعاً برای شعر عبری اساسی است و بخش بزرگی از حقیقت عهد اول است که خداوند تصمیم گرفته برای ما آشکار کند.

بسیار خوب، آیا به اندازه کافی به این نکته اشاره کردم که متوجه شده باشید؟ تشبیه خوبی نبود، اما سعی کردم آن را به چند روش بیان کنم. قابل توجه است. آیا قبل از ادامه، سوالی در این مورد دارید؟ می‌خواهیم چند نکته دیگر در مورد شعر عبری بگوییم.

خب، شروع می‌کنیم. بعضی از شما به زبان تمثیلی اشاره کردید، و کاملاً درست است. لازم نیست این مثال‌ها را کپی کنید.

می‌توانید کمی بعد به مرجع مراجعه کنید. اما همانطور که می‌دانید، شخصیت‌بخشی به معنی دادن ویژگی‌های انسانی به ویژگی‌ها یا مفاهیم انتزاعی است. بسیار خوب، این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد.

انسان یا حیوان. شاید باید بگوییم ویژگی‌های حیوانی هم همینطور. خوب، دریا را داریم که نگاه می‌کند و فرار می‌کند.

دریاها معمولاً این کار را نمی‌کنند. دریا نگاه کرد و گریخت. اردن برگشت.

کوه‌ها مانند قوچ‌ها به جست و خیز افتادند. و تپه‌ها مانند بره‌ها در زمزمور ۱۱۴. بسیار خوب؟ خوب، این یک جمله شگفت‌انگیز است.

و شما باید کمی از تخیل خود استفاده کنید تا بفهمید، این واقعاً شگفت‌انگیز است. چه اتفاقی باید بیفتد؟ و بنابراین بیاید کمی بزرگتر و در یک زمینه بزرگتر به آن نگاه کنیم. وقتی اسرائیل از مصر، خاندان یعقوب از قومی با زبان بیگانه، بیرون آمد، یهودا به پناهگاه خدا تبدیل شد، اسرائیل به قلمرو او.

به عبارت دیگر، این بازتابی از مهم‌ترین رویداد تاریخ آنهاست: خروج از مصر. جای تعجب نیست که تمام طبیعت را درگیر چنین شادی‌ای نشان می‌دهند.

ای دریا، چرا گریختی؟ ای اردن، چرا به عقب برگشتی؟ ای کوه‌ها، که مانند قوچ‌ها به جست و خیز افتادید؟ ای تپه‌ها، مانند بره‌ها؟ ای زمین، از حضور خداوند بلرزید. از حضور خدای یعقوب. خدا کارهای شگفت‌انگیزی انجام داده است، و از این رو، این چیزها را به عنوان تجلیات [خدا] می‌گوییم.

بریم سراغ نوع دیگری از زبان مجازی، استعاره. همونطور که میدونید، هم استعاره و هم تشبیه، مقایسه‌های غیرمعمولی رو مطرح می‌کنن. ما تو اصطلاحات انجیلیمون خیلی عادت داریم بگیم خدا یه سنگه، درسته؟ منظورم اینه که ما همیشه این کار رو می‌کنیم.

آیا من آن را اینجا دارم؟ نه، ندارم. ما آن را می‌خوانیم، ما آن را می‌گوییم، اما در واقع، این یک مقایسه نسبتاً غیرمعمول است که بگوییم خدا یک سنگ است. فقط از تمام بارهایی که با چیزهای مختلف و متنوع همراه است خلاص شوید و سعی کنید به آنچه که توسط آن منتقل می‌شود فکر کنید.

به چه معنا خدا سنگ است؟ زک، داری لبخند می‌زنی. جواب ما را بده. متأسفم، دوباره بگو.

خیلی راه‌ها هست که میشه اینو اشتباه تفسیر کرد. خوب، می‌تونیم به بی‌جان، کسل‌کننده و مرده فکر کنیم. به عبارت دیگر، در مقابل درخت‌ها و غیره و غیره.

دیگه چی؟ ضمناً، حتی در زمینه‌ی ما، مثلاً اینکه، کلمه‌ی درست چیه؟ تحت تأثیر یا الهام گرفته از حقیقت، کتاب مقدس، یه مقدار ابهام وجود خواهد داشت. آره، جینجر. خب، یه چیزی که ثابت، پایه‌ای، اساسی، اساسی و تغییرناپذیره.

نیک. خب، دوباره، پس پایه‌های ما، به عبارت دیگر، ایمان ما بر روی صخره خدا و غیره بنا شده است. در مورد چیزی که انگشت پا به آن بخورد و زمین بخورید چطور؟ چیزی که باعث درد شود؟ اشعیا هم کمی از این تصویرسازی را در آنجا دارد.

و این در عهد جدید نیز مطرح شده است. به هر حال، ما وقت نداریم که تمام الهیات خدا را به عنوان یک سنگ باز کنیم، اما با این وجود، به استعاره‌هایی که در کتاب مقدس آمده است فکر کنید. این یکی نیز بسیار رایج است.

ای پروردگار، تو سپری در اطراف من هستی. صحبت از حفاظتی است که خداوند در جهانی که به شدت به آن نیاز داریم، به ما ارزانی می‌دارد. گاهی اوقات، زمینه‌های ما کمی محافظت شده هستند و ما می‌توانیم به خوبی از خودمان محافظت کنیم، و والدین ما این کار را می‌کنند، و مؤسسات ما این کار را می‌کنند، و غیره.

ما اغلب از اینکه چقدر به شدت به حمایت خدا نیاز داریم آگاه نیستیم. اما در اینجا در مزمور به ما گفته شده است که خدا یک سپر است. و البته، برگردیم به مزمور ۱، که همین الان خواندیم، یک تشبیه

تنها تمایزی که من بین تشبیه و استعاره می‌شناسم، یا حداقل ساده‌ترین آن، این است که تشبیه در واقع کلمه مانند «یا» مانند «را وارد می‌کند. بنابراین، شما آن مقایسه‌ی بیان‌شده را دارید. بنابراین، کسی که درستکار» است مانند درخت خواهد بود.

و سپس، البته، ادامه می‌دهد و تصاویر زیبایی را که توسط آب کاشته شده‌اند، برگ‌ها در فصل خود، میوه دادن و تمام چیزهایی که بخشی از تشبیه هستند را توصیف می‌کند. بسیار خب، ویژگی‌های اضافی. خب، بیاید چند مورد دیگر را هم بررسی کنیم.

حروف بی‌متن. و همانطور که می‌دانید، وقتی در مورد حروف بی‌متن در شعر عبری صحبت می‌کنیم، یعنی شعر عبری کتاب مقدس، در مورد کلمات صحبت می‌کنیم، اولین کلمات هر سطر شعر که با حروف متوالی الفبای عبری شروع می‌شوند. مزمور ۱۱۹ مزمور اصلی ماست زیرا هر یک از هشت آیه با اولین حرف الفبای عبری الف، شروع می‌شود و سپس هشت آیه بعدی با بیت، هشت آیه بعدی با گیمیل و به همین ترتیب، تا پایان الفبای عبری.

و شما فکر می‌کنید، باشه، این واقعاً خوبه. و اتفاقاً، این مزامیر دیگه هم همین کار رو می‌کنن. امثال ۳۱ توصیف فوق‌العاده‌ای از زنیه که غیرممکنه بشه باهاش زندگی کرد، می‌دونید، اون زن ایده‌آل اونجا.

وقتی درباره امثال صحبت می‌کنیم، در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد. آن هم، از آیه ۱۰ امثال ۳۱ شروع می‌شود و تا انتهای فصل یک شعر منظوم است. مرثی شامل شعر منظوم خواهد بود.

A وجود دارد، در این مورد، از X بنابراین این روشی است برای گفتن اینکه، در اینجا یک جمله جامع در مورد در الفبای عبری. حالا دوباره، می‌دانید، اگر در مورد یک بار استفاده از Tav تا Aleph اگر بخواهید، از Z تا آن صحبت می‌کنید، خیلی سخت نیست. اما سعی کنید هشت بار را در نظر بگیرید که می‌توانید یک سطر هستند. به عبارت دیگر، شروع یک سطر شعر دشوار X شروع کنید. می‌دانید، آنها معادل X شعر را با حرف است زیرا کلمات زیادی با این حروف شروع نمی‌شوند.

دارد، درست است؟ و با این حال، مزمورنویس اینجا در مزمور ۱۱۹ با دقت فراوان Z و شاید X عبری معادل هشت سطر شعر برای هر یک از این حروف الفبای عبری ساخته است. تمرکز مزمور ۱۱۹ چیست؟ تأکید اصلی در آنجا چیست؟ کسی می‌داند؟ زنجبیل. آه، منظورتان مزمور ۱۹ است.

خب، نباید بگویم مزمور ۱۹. اما این مزمور ۱۱۹ است که مقداری از آن را در خود دارد، اما در هر آیه نیروی محرکه بیشتری به سمت کیت وجود دارد. بله، کلام خدا، فرامین خدا، احکام خدا و غیره، و احکام، شهادت‌ها

با تأکید ویژه بر این موضوع، مزمور ۱۱۹ بیانی جامع از کفایت مطلق کلام خدا برای هر چیزی است که ممکن است به آن نیاز داشته باشیم. حال، می‌توانم بگویم که ممکن است هنگام خواندن آن، کمی، خب، دامنه توجه ما کم شود. باید آن را با این حس بخوانیم که این نگاهی چندوجهی به زیبایی بی‌حد و حصر کلام خداست، و این هدف مزمورنویس است که از کل این گستره و حروف الفبا برای انتقال آن استفاده می‌کند.

خب، فقط چند نکته‌ی دیگر. این هم در مورد کل ایده‌ی یک موضوع صدق می‌کند. ما چیزی داریم که به آن الگوهای شماره‌گذاری شده می‌گویند.

من نمی‌توانم راه دیگری برای گفتن این موضوع به ذهنم برسد، اما به عنوان مثال از مزامیر به مزمور ۶۲ نگاه کنید، و سپس برای شما خاطرنشان می‌کنم که بیشتر این موارد در واقع در کتاب امثال آمده است. مزمور ۶۲ در آیه ۱۱ می‌گوید، یک چیز خدا گفته است، دو چیز من شنیده‌ام. بسیار خوب، یک، دو

در کتاب امثال باب ۳۰، سه چیز، نه چهار چیز، چنین و چنان هستند. در امثال باب ۶، آیات ۱۶ تا ۱۹، شش چیز مورد نفرت خداوند است، هفت چیز کاملاً مورد نفرت اوست. جالب اینجاست که در میان آن هفت چیز، دو بار می‌خوانیم که دروغ، باطل و فریب کاملاً مورد نفرت خداوند است.

بنابراین، این روشی است برای گفتن اینکه، در اینجا نگاهی جامع به یک موضوع خاص داریم، و به آن نوعی نظم نیز می‌بخشد. خب، باید به بحث ادامه دهیم. ضمناً، آیا قبل از اینکه واقعاً به خود مزامیر پردازیم، در این مورد سؤالی دارید؟ بسیار خوب، مقدمه‌ای بر مزامیر

همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، اینها در درجه اول متعلق به داوود هستند، اما بیش از هر چیز متعلق به اسرائیل هستند. یکی از نکات جالب در مورد مزامیر، همانطور که اینجا برای شما اشاره کردم، این است که آنها نه تنها کلام خدا برای ما هستند، مانند بقیه کتاب مقدس، که در واقع کلام خدا برای ماست، بلکه منعکس کننده سخنان انسان به خدا نیز هستند. و این به دلایلی که امیدوارم آشکار شود، به ویژه وقتی به پایان سخنرانی امروز خود برسیم، بسیار مهم است.

اما مزامیر واقعاً یک الگو، یک نمونه برای بیان طیف وسیعی از احساسات انسانی به ما می‌دهند. شما شاد هستید، و مزامیر دیگری وجود دارد که با آن مطابقت دارد. شما واقعاً از کسی که به ناحق به شما بدی کرده است، آزرده خاطر هستید، مزامیر دیگری وجود دارد که این را بیان می‌کند.

شما مضطرب هستید و باید یاد بگیرید که اعتماد کنید، و مزامیر وجود دارد که این را بیان می‌کند. بنابراین همانطور که گفتم، این یک الگو، یک الگو برای یادگیری ماست، نه فقط برای ابراز وجود، بلکه برای هدایت. آن به سمت خدا، که به عنوان خدای متعال، قادر به رسیدگی به هر چیزی است که ما به او خواهیم گفت. بنابراین، این یادگیری صحبت کردن است، و اگر مزامیر را بخوانید، به خوبی حس می‌کنید که نویسندگان این مزامیر فقط افراد بی‌خیال و بی‌خیال نیستند که همه حرف‌های درست را می‌زنند، آنها این کار را نمی‌کنند.

آنها آنچه را که در دل دارند می‌گویند. و گاهی اوقات این حرف‌ها کاملاً با احساسات و چیزهایی که ما احساس می‌کنیم و نیاز به بیان آنها داریم، مطابقت دارند. بنابراین، آنها از این نظر بسیار مفید هستند.

خب، می‌توانیم هر دو را همزمان انجام دهیم. عنوان مزامیر، می‌دانید، آن نوشته‌ی ریز که قبل از خود مزمور ظاهر می‌شود، احتمالاً در متون اصلی مزمور نیست، تا جایی که ما می‌توانیم بگوییم. وقتی الان کتاب مقدس عبری خود را می‌خوانید، خواهید دید که عنوان مزامیر در واقع آیه اول است، بنابراین گاهی اوقات نسخه شما از مزامیر به انگلیسی کمی متفاوت از نسخه عبری خواهد بود.

هر زمان که آنها در متن آمده‌اند، اطلاعات نسبتاً جالبی را برای ما به ارمغان آورده‌اند. بنابراین من سعی کرده‌ام آنچه را که واقعاً می‌توانیم از عناوین مزامیر بیاموزیم، در اینجا خلاصه کنم. همه مزامیر عنوان ندارند، بسیاری از آنها دارند.

اما می‌توانیم شرایط را درک کنیم. مثالی کلاسیک، زیرا دفعه قبل که در مورد داوود صحبت کردیم، به آن اشاره کردیم. از کجا می‌دانیم که مزمور ۵۱ به آن شرایط وحشتناک پس از گناه داوود با بت‌شع و قتل برنامهریزی شده اوریا و رویارویی ناتان با او نسبت داده شده است؟ این عنوان مزمور است.

سطر اول مزمور ۵۱ به ما می‌گوید که این زمان، زمان نگارش این مزمور است. و مطمئناً با آن مطابقت دارد. حال، من اولین کسی خواهم بود که به شما می‌گویم وقتی عناوین مزمور را با دقت می‌خوانید، به نظر نمی‌رسد که همه آنها کاملاً با آن مطابقت داشته باشند.

این می‌تواند یکی از نمونه‌های مسئله‌ای باشد که من مطرح کردم، مبنی بر اینکه احتمالاً بخشی از متن اصلی نیست. ثانیاً، ما نویسندگانی داریم که به این مزامیر نسبت داده شده‌اند، بیش از ۷۰ مزامیر داوود. اما به برخی دیگر از موارد ذکر شده توجه کنید.

مردی به نام آساف مزامیر بسیار مهمی می‌نویسد. بسیاری از آنها مربوط به ویرانی‌هایی است که اورشلیم و کوه صهیون و معبد به دست مردمان شرور متحمل شده‌اند. آنها به چگونگی مقابله با خود شر، به ویژه هنگامی که ناعادلانه است، مربوط می‌شوند.

پسران قورح، چرا این کمی غیرمعمول است؟ اینکه از پسران قورح به عنوان نویسندگان احتمالی مزامیر نام برده شود. قورح کیست؟ کتی درست است، او یک لاوی است، اینطور نیست؟ و از آنجا که او و تعدادی دیگر علیه موسی و هارون شورش کردند، و به ویژه قورح خواهان سلسله کاهنان بود، او و همانطور که در متن آمده است، افرادش هنگام باز شدن زمین بلعیده شدند.

اما در اینجا ما این نشانه را داریم، که اتفاقاً در فصل ۲۶ کتاب اعداد نیز داریم، که تمام نسل قورح از بین رفت. و نکته‌ی زیبا در مورد این موضوع این است که، و من ممکن است این را وقتی در مورد قورح صحبت می‌کردیم ذکر کرده باشم، اما اینجا فرصتی است که آن را تکرار کنیم، باشه؟ نکته‌ی زیبا در مورد این موضوع این است که خدا به دلیل کاری که قورح انجام داد، نوادگان قورح را برای همیشه رد نمی‌کند.

در واقع، آنها دوباره به مقام خود بازگردانده شده‌اند، و در واقع کسانی هستند که قرار است در حضور خدا در معبد خدمت کنند، و حتی برخی از چیزهایی را که مزامیر هستند، سروده‌اند. بنابراین پسران قورح بسیار جالب هستند، و من می‌گویم که به عنوان یک مزمور، نشان دهنده رحمت، رحمت مطلق و بخشش خداوند هستند. خب، پس ما سلیمان و موسی را داریم، که به هر یک از آنها یکی نسبت داده شده است، و سپس برخی دیگر ناشناس هستند، بنابراین ما به سادگی نمی‌دانیم.

، همینطور که عناوین این مزامیر را می‌خوانید، گاهی اوقات چیزهایی می‌بینید که اصلاً نمی‌فهمید. شیگیون خب، آن چیست؟ می‌دانید، ما نمی‌دانیم. آنها احتمالاً نت‌های موسیقی هستند، چیزی در مورد نحوه اجرای آنها.

چیزی که باید به خاطر داشته باشیم این است که این مطالب با آواز خوانده می‌شدند. ما آنها را می‌خوانیم. سعی می‌کنیم با شروع کلاس‌هایمان، قطعات کوچکی از آنها را بخوانیم.

اما من شما را در مقطعی از حرفه‌تان به عنوان یک فرد کلیسارو تشویق می‌کنم، شغل احتمالاً کلمه اشتباهی برای استفاده در اینجا است، اما به یک کلیسای پرسبیتی اسکاتلندی یا جایی که مزامیر را می‌خوانند، ببینید زیرا وقتی یاد بگیرید، آنها برای شما طعم کاملاً متفاوتی خواهند داشت، نه فقط خواندن ابیات کوچک مانند ما، بلکه خواندن کل مزامیر. این یک تجربه فوق‌العاده است. خب، فقط کمی تنظیم است.

همانطور که در ترجمه‌های انگلیسی‌تان می‌بینید، ما پنج کتاب مزامیر داریم. البته این به خوبی با پنج کتاب موسی ما مطابقت دارد و من پیشنهاد می‌کنم که عمداً به این شکل انجام شده است. اما نکته جالب اینجاست.

سه تامون رو یادت هست، چون من چهار تا انگشتم رو بالا گرفتم، منم می‌تونم بشمارم. سه بخش از کتاب مقدس عبری رو یادت هست؟ اونا چی هستن؟ بخش اول تورات هست که با ت شروع می‌شه. بخش دوم کتاب مقدس عبری نوییم هست، پیامبران، درسته؟ و این با داوران شروع می‌شه. ببخشید یوشع، درست می‌گی.

بخش سوم، کتوبیم، نوشته‌ها است، و با کتاب مزامیر، مزامیر، آغاز می‌شود. حال، نکته جالب این است که یوشع، همانطور که هنگام شروع آن دیدیم، با یک نصیحت قوی از جانب خدا به یوشع شروع می‌کند که در این تورات تأمل کند. نگذارید از آن جدا شود.

شب و روز در آن تأمل کن. این چیزی است که در مزور ۱ می‌بینیم. همان مضمون تکرار شده است. بسیار خوب، کسی که در تورات تأمل می‌کند.

مفهوم بسیار مهمی اینجا وجود دارد. خب، برخی از آموزه‌های اساسی در مزامیر وجود دارد که می‌خواهیم به آنها نیز اشاره کنیم. و آموزه‌های دیگری هم وجود دارد، بسیار خب، آموزه‌های دیگری هم وجود دارد، اما اینها آموزه‌هایی هستند که در مزامیر گنجانده شده‌اند.

شما آنها را بارها و بارها می‌بینید. اول از همه، خدا کیست. می‌خواهید بفهمید خدا کیست؟ خب، مزامیر را بخوانید چون به وضوح در تمام عظمت او، کارهای عظیمش به نمایندگی از فرزندانش، کارهایی که بارها و بارها برای آنها انجام داده، وجود دارد.

ما حس خوب و عمیقی پیدا می‌کنیم، به خصوص در مورد دو کلمه کلیدی. باز هم، اینها تنها کلمات کلیدی که قبلاً آن را دیده‌ایم و در موردش خوانده‌ایم، Hesed. نیستند، اما بارها و بارها ظاهر می‌شوند.

عهد خدا، عشق پایدار و وفادار. این موضوعی است که بارها و بارها در مزامیر تکرار می‌شود. خدا به خاطر قومش عمل می‌کند و اراده خود را به کار می‌گیرد.

به معنای حقیقت است، و (Emet) ما همچنین دو اصطلاح دیگر داریم که بارها و بارها تکرار می‌شوند. اِمَت حقیقت و ایمان، بسیار به هم وابسته‌اند. (emunah) یک کلمه مرتبط با آن، اِمونَه.

این دو مورد بارها و بارها ظاهر می‌شوند. وقتی فرصتی پیش آمد، نگاهی به مزمور ۱۰۳ بیندازید، زیرا این یک متن بسیار زیبا و احتمالاً شناخته شده است و قرار است روی این موارد تمرکز زیادی داشته باشد. در مقابل و از برخی جهات امیدوارم متوجه شده باشید که در اینجا شباهت کمی بین اهداف تورات وجود دارد، نشان دادن تقدس خدا، نشان دادن گناهکاری بشر

خب، اینجا مزامیر را داریم که همین موضوع را به تصویر می‌کشند. عظمت خدا و گناهکاری بشر. اینکه انسان‌های گناهکار چقدر به توبه و رهایی نیاز دارند

مزامیر زیادی وجود دارد که در آنها نویسنده‌ی انسانی برای رهایی، شاید رهایی از دشمنان، شاید رهایی از گناهان خود و نفس گناهکار خود، به درگاه خدا فریاد می‌زند. و سپس، سوم، عشق عمیقی به کلام خدا. وای این جالب نیست؟ در مزامیر

به عبارت دیگر، مردم در مورد اینکه چقدر کلام خدا را دوست دارند، آواز می‌خوانند. ما اغلب در مورد این موضوع آواز نمی‌خوانیم. ما در مورد چیزهای دیگری که واقعاً مهم هستند، آواز می‌خوانیم، اما اینجا آنها در مورد اینکه کلام خدا چقدر برایشان مهم است، آواز می‌خوانند

بی‌عیب و نقص است، بی‌نقص است. کارهایی را که لزوماً باید انجام شود تا ما را فرزندان خدا کند، انجام خواهد داد. و البته، این با عزم راسخ برای زندگی به شیوه‌ای که مورد رضایت خدا باشد، همراه است

خب، توجه کنید که این [مطلب] از بسیاری از ایده‌های تورات الهام گرفته شده است، چون تورات برای چیست؟ آموزش این است که یاد بگیریم چگونه به شیوه‌ای زندگی کنیم که مورد رضایت خدای عهد ما باشد چه چیز دیگری برای گفتن داریم؟ آه، بله. اینجا است که ممکن است کمی شبیه یک لیست خرید مواد غذایی به نظر برسیم، پس اجازه دهید چند نکته مقدماتی را مطرح کنم

من به هیچ وجه سعی ندارم زیبایی و جذابیت مزامیر را که قلب‌های شما را تسخیر کرده است، از آنها بگیرم درست است؟ پس فقط مراقب باشید. اما گاهی اوقات مفید است، همانطور که در مورد سه دسته از تورات صحبت کردیم؛ گاهی اوقات مفید است که در مورد نحوه تفکر در مورد یک مزمور فکر کنید زیرا انواع خاصی از مزامیر ساختار خاصی دارند. بنابراین، اجازه دهید این موارد را مرور کنم و در مورد هر یک از این دسته‌ها نظراتی ارائه دهم و سپس شما را تشویق کنم که نمونه‌های بارز را بشناسید

به عبارت دیگر، به نمونه‌های بارز نگاه کنید و ببینید که چگونه در هر یک از این دسته‌ها قرار می‌گیرند. و سپس چند دسته دیگر نیز اضافه خواهیم کرد. اول از همه، مرثیه‌ها وجود دارند

و البته، سوگواری، ابراز اندوه و عذاب و درد دل فراوان به خاطر اشتباهی است که رخ داده است. اینها می‌توانند سوگواری‌های فردی باشند. اینها می‌توانند سوگواری‌های جمعی باشند

ناله‌های جمعی اغلب از بستری برمی‌خیزد که قوم خدا به تبعید برده شده‌اند. آنها از بستر سرزمین خود کنده شده‌اند. آنها نمی‌دانند که خدا قرار است در مرحله بعد با آنها چه کند

اما به طور کلی، رسیدن به نتیجه در پایان، ابراز توکل به خداست، صرف نظر از شرایطی که بسیار غم‌انگیز به نظر می‌رسد. من به شما ۴۲ و ۴۳ را داده‌ام. اگر مزامیر را با دقت خوانده باشید، می‌دانید که این دو با هم همراه هستند و همان ترجیع بند در هر دو مزامیر دیده می‌شود

ای جان من، چرا در من فرو افتاده‌ای؟ این همان چیز همیشگی است، آن که سوگواری می‌کند. ۱۳۷ احتمالاً نمونه‌ی کلاسیک اسرائیل به عنوان یک بدن، به عنوان قوم خدا، است که از شرایط وحشتناک خود سوگواری می‌کند و پریشانی و رنج خود را ابراز می‌کند.

حالا، یه جورایی یه دسته مرتبط؛ در واقع، بعضی‌ها این دسته بعدی رو با مرثیه‌های شخصی می‌شناسن، اما من دوست دارم جداشون بدونم، اونایی که مزامیر توبه هستن. همونطور که می‌دونید، توبه با توبه مرتبطه و ابراز تاسف شدید از گناه می‌کنه. همونطور که بنجامین وارفیلد، که یه متکلم بزرگ اهل پرینستون در اوایل قرن بیستم بود، گفت، کسی که مزامیر توبه رو می‌نویسه، و در مورد ۵۱، احتمالاً داوود هست، داره تشخیص می‌ده که تقریباً چی رو از دست داده.

به عبارت دیگر، تمام زندگی‌اش، آنچه را که تقریباً در نتیجه گناه، گناه عمدی، نافرمانی و شورش علیه خدا از دست داده است. مزبور توبه زمانی است که کسی به جایی می‌رسد که متوجه می‌شود تنها امید این است که، اگر خودم را به پای صلیب بیندازم، این الان از طریق صحنه مسیحیت اتفاق می‌افتد، اما ایام روزه است درست است؟ و می‌گوید، من یک آدم خرابکار هستم، من این را کاملاً خراب کرده‌ام، من به خدا نیاز دارم. و این کاری است که مزموهای توبه انجام می‌دهند.

نکته قابل توجه این است که عدد ۵۱، همچنین عدد ۳۲ نیز در این دسته قرار می‌گیرد. سپس، شاید کمی تغییر لحن داشته باشیم. ما مزامیر شکرگزاری را داریم، مزامیر فوق‌العاده‌ای از ستایش و شکرگزاری از خدا برای آنچه که برای مردم انجام داده است.

مزبور ۱۱۸ کمی طولانی‌تر از مزبور قبلی است. یکی از زیباترین بخش‌های آن در واقع نقل قول شده است هوشیعیانا، همانطور که مردم بالا می‌روند، متبارک باد نام خداوند، ما را نجات بده، خداوند. متبارک باد نام کسی که به نام خداوند می‌آید، درست متوجه شده‌ام.

مبارک است کسی که به نام خداوند می‌آید. بسیار خوب، و سپس سرودهای ستایش. این، مزبور ۸ یک نمونه کلاسیک از این است.

این البته مزبور ماست، جایی که مزبورنویس خدا را به خاطر شکوه خلقت ستایش می‌کند. ای خداوند، نام تو در تمام زمین چقدر باشکوه است؟ سپس او درباره خلقتی که خدا آفریده و این واقعیت که او بشر را کمی پایین‌تر از فرشتگان آفریده است صحبت می‌کند، مزموری که در عهد جدید نیز به آن اشاره شده است. مزامیر تاریخ نجات وجود دارد که بیشتر آنها بر روی خدا تمرکز دارند و ما قبلاً این را گفته‌ایم: کار شگفت‌انگیز از طرف اسرائیل، آوردن آنها، رهایی آنها از مصر و رساندن آنها به آزادی و جالب توجه است که در سینا به او وابسته هستند.

مزبور ۷۸ با این فرمان آغاز می‌شود: «این را به فرزندان و فرزندان فرزندان بگو.» به عبارت دیگر، از این قالب شاعرانه نه فقط برای سرودن برای خداوند، بلکه برای انتقال حقیقت استفاده کنید. شعر راهی فوق‌العاده برای انتقال حقیقت به نسل‌های بعدی نیز هست.

و مزبور ۷۸ با این شروع می‌شود و سپس در مورد کار خدا برای قومش صحبت می‌کند. سرودهای صهیون بر اورشلیم تمرکز دارند. من فقط کمی از مزبور ۸۴ را برای شما می‌خوانم چون فکر می‌کنم ممکن است آن را بشناسید.

من باید همه اینها را بخوانم، اما می‌دانید چیست، مسئله زمان است. آن دسته از شما که در موسیقی تخصص دارید و شاید یوهانس برامس را بشناسید، اخیراً کمی از او خوانده‌ایم. ضمناً، میا چانگ در کنسرت ماه مه کنسرتو پیانو برامس را اجرا می‌کند.

عاشقش می‌شی، برو. اما به هر حال، برامس هم یک رکوئیم نوشته است. رکوئیم، البته، چیزی است که عموماً در زمینه مرگ ارائه می‌شود، اما برامس در متن رکوئیم خود یک انحراف ایجاد کرده است.

کسانی از شما که این را می‌دانید، به خوبی می‌دانید که او مزمور ۸۴ را در آن گنجانده است. ای خداوند لشکرها، چه دلپذیر است مسکن تو. این چیزی فوق‌العاده زیباست.

و سپس او در ادامه در مورد آن صحبت می‌کند. خوشا به حال کسانی که قدرتشان در توست و دل‌هایشان را به زیارت سپرده‌اند. به عبارت دیگر، آنها به صهیون می‌روند.

آیه هفت، آنها از قدرتی به قدرت دیگر می‌روند تا اینکه هر کدام در صهیون در حضور خدا حاضر شوند. آیه یک روز در صحنهای تو بهتر از هزار روز در جای دیگر است. این کسی است که عاشق این است که: ۱۰: برای پرستش خدا به صهیون برود.

و در موردش می‌خواند. بسیار خوب، ترانه‌های اعتماد، ۲۳. و ما این یکی را هم می‌دانیم.

خداوند شبان من است. و ما باید درک خوبی از اینکه شبانان چه کسانی بودند، داشته باشیم. شبانان، چهره‌های خوبی برای پادشاهان هستند.

آنها همچنین برای کسی که عمیقاً دقیقه به دقیقه به گوسفندان نادان اهمیت می‌دهد، ارقام بسیار خوبی هستند. و ما قبلاً وقتی در مورد اسرائیل در بیابان صحبت کردیم، این را تجربه کرده‌ایم. بسیار خوب، اینها برخی از طبقه‌بندی‌های کلی هستند که توسط تعدادی از محققانی که با این مسائل سروکار دارند، پیشنهاد شده‌اند.

دو تا دیگه هم داریم که می‌خواهم برای خودمون اضافه کنم. یکی از اونا اینه: اوه، متأسفم، منو ببخش. یادم رفت. اینو اینجا بذارم.

باید بهش نگاه کنیم. باید از انیمیشن کردن این یکی پرهیز می‌کردم. به خاطر همینکه که می‌خواهی بری اسرائیل و درس بخونی.

می‌دانم از شنیدن این حرف‌ها خسته شده‌اید. اما اگر به اندازه کافی بگویم، شاید اتفاقی بیفتد. دفعه قبل این عکس را دیدیم.

اینجا شهر داوود است. این تمام چیزی است که شهر داوود در بر می‌گرفت. اینجا جایی است که سلیمان قرار است بعداً معبد را بسازد.

وقتی نگاه می‌کنید، مخصوصاً اگر همین اطراف ایستاده باشید، به هر سمتی که نگاه کنید، به بالا نگاه می‌کنید. کوه‌های شرق، قدرون در جنوب، تپه جنوبی در غرب، تپه غربی و دره هینوم، و سپس کوه‌های آنجا، و حتی کوه معبد. به هر سمتی که نگاه کنید، شمال، جنوب، شرق، غرب، وقتی روی کوه صهیون هستید، به بالا نگاه می‌کنید، نقل قول از کوه صهیون.

و بنابراین، دو تا از مزامیر ما طعم کمی متفاوتی دارند، اینطور نیست؟ چشمانم را به سوی تپه‌ها بلند می‌کنم. از کجا یاری من می‌آید؟ یاری من از جانب خداوند می‌آید که آسمان و زمین را آفرید. و سپس مزمور در ادامه از خداوندی صحبت می‌کند که نمی‌خواهد و نمی‌خواهد، بلکه از ما مراقبت می‌کند.

اما باز هم، آن را در زمینه جغرافیایی‌اش قرار دهید. بُعد کاملاً متفاوتی را آشکار می‌کند. به همین ترتیب، مزمور ۱۲۵، آیه دوم.

همانطور که کوه‌ها اورشلیم را احاطه کرده‌اند، اکنون می‌توانید طعم آن را حس کنید. این اورشلیم کوچک در روزگار داوود است. بنابراین، خداوند قوم خود را، هم اکنون و هم برای همیشه، احاطه کرده است.

همانطور که قبلاً گفتیم، کوه‌ها خیلی سریع حرکت نمی‌کنند. حالا بیایید به سراغ کاری که قرار بود در ادامه انجام دهم برویم. دسته‌ها

می‌خواهم تمرکز ویژه‌ای روی آن دسته از مزامیر داشته باشم که مزامیر مسیحایی هستند. حال، هر یک از آنها به خودی خود، از نظر ساختاری، ممکن است در برخی از آن دسته‌های دیگر جای بگیرند. اما اینها مهم هستند زیرا بر کسی که مسح شده است تمرکز دارند.

کلمه انگلیسی ما مسیح از کلمه عبری ماشیخ گرفته شده است که به معنای آغشته شدن به روغن یا مسح شدن با روغن است. ماشیخ عبری، کریستوس یونانی است، و بنابراین عیسی مسیح، عیسی، مسح شده است. اینها نقش‌هایی بودند که، به ویژه در عهد اول ما، پادشاهان و کاهنان بر عهده داشتند.

برخی از پیامبران نیز، اما به ویژه پادشاهان و کاهنان. بیش از دو مزمور مسیحایی وجود دارد، اما این دو مزمور را می‌خواهم بدانید. اول از همه، مزمور ۲۲

و البته، وقتی عهد جدید را می‌خوانیم، این مزمور کجا گفته می‌شود؟ این عیسی بر روی صلیب است، اینطور نیست؟ خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟ این عیسی است که بر روی صلیب آویزان است و خشم خدا در آن برهه از زمان بر او علیه تمام گناهان بشر ریخته می‌شود و جدایی و صف‌ناپذیری بین شخصیت‌های تثلیث وجود دارد. خدای پدر خشم خود را بر خدای پسر معطوف می‌کند و به او نیز پشت می‌کند. تأملی کامل برای ایام روزه.

و البته، این تمام چیزی نیست که در مزمور ۲۲ آمده است. این سطر آغازین است. مخاطبان، یا حداقل کسانی که متن را می‌دانستند، بقیه آن را نیز می‌دانستند.

هر که مرا می‌بیند، مرا مسخره می‌کند. دشنام می‌دهد و سر خود را تکان می‌دهد. او به خداوند توکل دارد.

بگذار خداوند او را نجات دهد. بگذار او را رهایی بخشد، زیرا او را خشنود می‌سازد. در متی ۲۶، می‌بینیم که جمعیت چنین چیزهایی می‌گویند.

در ادامه، آیه ۱۶. دست‌ها و پاهایم را سوراخ کرده‌اند. می‌توانم استخوان‌هایم را بشمارم.

آنها لباس‌های مرا بین خود تقسیم می‌کنند و برای لباس‌هایم قرعه می‌اندازند. بنابراین، می‌بینید که جنبه‌هایی از این مزمور که در ابتدا مزمور داوود بود، اکنون در خدمت مسیح بر روی صلیب و تمام چیزهایی که جزئی از آن بودند، به طور کامل به ثمر می‌رسد. به همین ترتیب، باز هم، اینها تنها دو مزمور مسیحایی نیستند، اما باید به این مزمور نیز نگاهی بیندازیم زیرا به شخصیت ملک‌یصداق که از پیدایش ۱۴ می‌شناسیم، اشاره دارد.

این مزمور با اشاره بسیار واضح به مضامین پادشاهی آغاز می‌شود. خداوند به پروردگار من می‌گوید، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو اندازم. این آیه بارها در عهد جدید، در مواقعی که عیسی با مخالفانش درگیر می‌شود، نقل شده است، درست است؟ این یک اشاره آشکار به مسیح است.

خداوند به پروردگار من، داوود، گفت که عیسی از آن برای به چالش کشیدن مخالفانش استفاده خواهد کرد، اما این فقط جنبه‌ی پادشاهی نیست. به آیه‌ی چهارم نگاه کنید. خداوند قسم خورده است و نظرش را تغییر نخواهد داد.

شما برای همیشه پس از مقام ملک‌یصداق، کاهن هستید - تنها جای دیگری در عهد اول که ملک‌یصداق در آن حضور دارد. و همانطور که مدت‌ها پیش گفتیم، نویسنده عبرانیان در رابطه با پیدایش ۱۴، این دو را، هم پیدایش ۱۴ و هم مزمور ۱۱۰، در کنار هم قرار می‌دهد، زیرا او در مورد عیسی و ملک‌یصداق صحبت می‌کند، و ملک‌یصداق قطعاً پیشگویی عیسی به عنوان کاهن اعظم بزرگ است.

باز هم، مزامیر مسیحایی بیشتری. یک دسته بندی دیگر هم داریم که باید انجام دهیم، و آن مزامیر نفرین شده است، یا اگر می‌خواهید آن را متفاوت تلفظ کنید، مزامیر نفرین شده، بسته به اینکه می‌خواهید آمریکایی باشید یا بریتانیایی. مزامیر نفرین شده چیست؟ در یکی از این موارد چه اتفاقی می‌افتد؟ نفرین چیست؟ به شما تضمین می‌دهم که نمی‌خواهید یکی از آنها درباره شما گفته شود.

این یک نفرین است. اینها مزامیرهایی هستند که به طور خاص از خدا می‌خواهند مردم را نفرین کند. از آنجایی که ما در مورد ۱۱۰ صحبت می‌کنیم، فقط به ۱۹۹ برمی‌گردیم و اجازه دهید بخشی از آن را بخوانم.

ای خدایی که تو را ستایش می‌کنم، ساکت نمان، زیرا مردمان شیر و حیل‌گر دهان خود را علیه من گشوده‌اند. آنها با زبان‌های دروغین علیه من سخن گفته‌اند، با سخنان نفرت‌آمیز مرا احاطه کرده‌اند. آنها بی‌جهت به من حمله می‌کنند، و او در ادامه می‌گوید که این افراد چقدر نفرت‌انگیز و پیمان‌شکن هستند.

توجه کنید که او از آیه ششم چه می‌گوید. مردی شرور را برای مقابله با او بگمار. بگذار یک شیطان، طبق شما، مدعی باشد NIV.

ها-شیطان «به معنی» متأسف «است، نه» ها شیطان «که کلمه عبری» شیطان «است. وقتی محاکمه» شد، بگذارید گناهکار شناخته شود.

باشد که دعاهایش او را محکوم کنند. باشد که روزهای کوتاه باشد. به عبارت دیگر، آیا لطفاً او را بکشید؟ خب، این چیزی است که گفته می‌شود.

باشد که فرزندانش بی‌پدر شوند. باشد که همسرش بیوه شود. باشد که فرزندانش گدایان سرگردان شوند.

باشد که از خانه‌های ویرانشان رانده شوند، و همینطور، و همینطور، و همینطور. و سپس آیه ۱۶. او هرگز به فکر مهربانی نبود، و فقرا، نیازمندان و دلشکستگان را تا سر حد مرگ آزار می‌داد.

او عاشق نفرین کردن بود. چیزی که اینجا اتفاق می‌افتد، در کنار چیزهای دیگر، این است که مزمورنویس از خدا مجازاتی برابر با مجازات دیگران می‌خواهد. حالا، اتفاقات بیشتری در جریان است.

یک دقیقه دیگر به آن می‌پردازم. اگر وقت داشتیم، نظرات شما را در این مورد جویا می‌شدم، اما بگذارید ببینم می‌توانم بخشی از آن را خودم حل کنم، چون تقریباً ساعت ۱۰ گذشته است. اما عدالت پیمانهای را در نظر داشته باشید.

مزمورنویس می‌گوید، این مرد نفرین کرد. و در ادامه می‌گوید که او نفرین را مانند لباسی بر تن داشت

بنابراین، این چیزی است که ذاتی شخصیت او و نحوه‌ی تجلی او در میان مردم است. و بنابراین، از خدا خواسته شده است که با این شخص همانطور رفتار کند که با دیگران رفتار کرده است. حال، این یک مشکل است.

در اینجا علاوه بر آنچه که گفتم، چند نکته برای بررسی وجود دارد. و ضمناً، می‌دانم که این روش واقعاً دلسردکننده‌ای برای پایان دادن به سخنرانی است. اما از طرف دیگر، شاید کمی به ما کمک کند

این مزامیر بخشی از کتاب مقدس هستند. به عبارت دیگر، ما نمی‌توانیم قیچی خود را برداریم و آنها را ببریم و بگوییم، از آن خوشتر نمی‌آید. آنها آنجا هستند

آنها آنجا هستند و ما باید در مورد آنها فکر کنیم. و نکته مهم واقعاً در جمله دوم است. نویسنده از خدا می‌خواهد که به این موضوع رسیدگی کند

بیشتر ما، وقتی در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که بی‌عدالتی رخ داده است، دوست داریم خودمان آن را به گردن بگیریم. خب، ما با شمشیر نمی‌رویم و سر کسی را از تنش جدا نمی‌کنیم. اما اغلب همین کار را با پخش کردن انواع و اقسام حرف‌ها در همه جا انجام می‌دهیم

و مزمورنویس این کار را نکرده است. او نه به صورت کلامی و نه به هیچ طریق دیگری انتقام نمی‌گیرد. او از خدا می‌خواهد که به مشکل اهمیت بدهد، که البته بهترین جا برای انجام این کار و رسیدگی به موضوع است

همانطور که کل مزمور را می‌خوانید، و همانطور که گفتم، ۱۴۰ مزمور دیگر هم وجود دارد، و سپس بخش‌هایی از تعدادی مزمور دیگر. ضمناً نکته را متوجه شدید؟ این موضوع بارها در مزامیر دیده می‌شود. حتماً یک مشکل اساسی است، مواجهه با بی‌عدالتی، مواجهه با افرادی که صرفاً شرور هستند

نویسنده نگران جلال خداست. او همچنین، همانطور که ما نیاز داریم، می‌داند که گناهکار است و به اندازه هر کس دیگری به رحمت خدا نیاز دارد

فقط این است که شخص دیگر در این زمینه کاملاً برخلاف تعهدات پیمانی که همه آنها تحت آن زندگی می‌کنند، عمل کرده است. ضمناً، جالب اینجاست که بخش‌هایی از این مزمور در کتاب اعمال رسولان، جایی که به یهودا اشاره می‌شود، آمده است. و در نهایت، هیچ شادی و سروری از سقوط دشمن و امید و چشم‌اندازی وجود ندارد که اگر شخصی واقعاً به دست خدا سپرده شود، مجازاتی که ممکن است به همراه داشته باشد، ممکن است توبه را به همراه داشته باشد

می‌دانم وقت گذشته است. دوست دارم نظراتتان را بشنوم، اما باید به کلیسا بروید. پس، چهارشنبه می‌بینمتان، آماده برای امتحان